

مقایسه کلام خدا در حکمت متعالیه و نصوص دینی* (آیات و روایات)

سیدعلی موسوی**

چکیده

حکمت متعالیه با رویکرد فلسفی که به موضوع کلام خدا دارد، آن را کمال یافتگی قوه عقل نظری می‌داند که می‌تواند با عقل فعال ارتباط حاصل نموده و صور معقولات را مشاهده نماید. چنین تعریفی مبتنی بر قوس صعود و عوالمی است که انسان در مسیر کمال طی می‌کند، و همچنین بر اصول دیگری چون اصالت وجود، حرکت جوهری، تجرد قوه خیال و... استوار است و دارای لوازمی چون انسان محوری در کلام خدا و اکتسابی بودن نبوت است. رویکرد نصوص دینی براساس مبانی چون حقیقت علم در قرآن و احادیث (علوم و حیانی)، حجیت ظواهر و عدم تاویل حقایق شرعیه و... سعی نموده تصویری منطبق با مضامین قرآنی و روایی، عرضه کند این نگاه عنوان می‌دارد حکمت و لطف الهی اقتضاء می‌کند که سفیرانی از جانب او در میان بندگان باشند تا کلامش را به آنان برسانند و آنان را دلالت بر آنچه مصلحت و منفعت ایشان است، بنمایند. حق تعالی آنان را به علم و حکمت تادیب نموده و عصمت از گناه سهوا و نسیانا و حتی قبل از نبوت به آنان عطا نموده است.

واژگان کلیدی: حکمت متعالیه، روش نصوص دینی، کلام خدا، آیات و روایات

* تاریخ دریافت: ۹۶/۲/۵

تاریخ پذیرش: ۹۶/۵/۲۵

** استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه مراغه

s.alimosavi53@yahoo.com

مقدمه

آنچه در این تحقیق به آن اشاره می‌شود، این است که تبیین‌های فلسفی از کلام خدا با تبیین کلامی و نقلی متفاوت است. کلام خدا از منظرهای مختلف مورد بررسی و تبیین قرار گرفته که دو منظر عمده در این رابطه، نگاه نصوص دینی و نگاه فلسفی می‌باشد. در دیدگاه فلسفی با توجه به اینکه موضوعات می‌باید صرفاً براساس اصول و مبانی فلسفی و صرفاً در چارچوب فلسفه‌ای خاص که فیلسوف آن را پذیرفته امور دینی مورد تفسیر قرار گیرد از این رو کلام خدا نیز توسط فیلسوفان اسلامی همچون فارابی، ابن سینا و ملاصدرا مبتنی بر مبانی مورد پذیرش هر کدام از آنها مورد تحلیل قرار گرفته است. طبیعی است که این نوع تحلیل با تحلیلی که صرفاً براساس روش نصوص دینی باشد، متفاوت خواهد بود.

در این نوشتار ابتدا تبیینی کوتاه از کلام خدا در این دو دیدگاه ارائه می‌گردد. آنگاه به مقایسه توصیفات حکمت متعالیه و آیات و روایات خواهیم پرداخت. در ادامه مقایسه مبانی و لوازم این دو دیدگاه ارائه و در هر مورد، موارد اشتراک و افتراق آنها بررسی می‌گردد و در پایان با توجه به نمونه‌هایی که ذکر می‌شود، به این نتیجه می‌رسیم که اشتراکات این دو دیدگاه در حد اشتراکات لفظی است.

کلام خدا در حکمت متعالیه

صدر المتالهین نگاهی فلسفی عرفانی به مقوله کلام خدا داشته است و با توجه به اصول و مبانی که در فلسفه خود مشهور به حکمت متعالیه دارد این مساله را تبیین کرده است. در واقع حکمت متعالیه بحث نبوات و مسایل مربوط به کلام خدا را در ادامه پایان مباحث نفس بیان نموده (صدر، ج ۹، ۱۹۸۱، ۱۴۰) و به عبارتی در سیر و صعود انسان از هیولی تا عقل وقتی انسان به عقل بالفعل می‌رسد، وارد مرحله‌ای می‌شود که می‌تواند حقایقی را مشاهده نماید. با چنین دیدگاهی است که مباحث مربوط به نبوات و ولایات در پایان مباحث نفس ذکر شده است و حتی تداخل این مباحث به گونه‌ای است که صدرا در کتاب مبدأ و معاد بی‌آنکه مباحث مربوط به نبوت از مباحث نفس و معاد جدا کند در ادامه آنها می‌آورد. (همان، ۱۳۵۴، ۵۰۲-۴۴۷)

در دیدگاه ملاصدرا ماهیت کلام خدا همان وحی است و ماهیت وحی امری معرفتی است و آن عبارت از درک صورت های علمی که از سه طریق اکتساب، الهام و وحی امکان‌پذیر است. به عبارت دیگر رسیدن به صورت‌های علمیه‌ای که در دیدگاه ملاصدرا حقیقت کلام خدا را تشکیل می‌دهد، تنها اختصاص به نبی ندارد بلکه تنها یک صورت آن که کلام خداست مختص نبی است. صورت دیگر الهام است که از آن ولی است و صورت سوم که از طریق اکتساب به دست می‌آید به هر صاحب علمی تعلق دارد.^۱ (همان، ۱۳۴۶، ۴۱۵-۴۱۴)

صدرا بر طبق آنچه در توصیفات کلام خدا می‌آورد، مقام نبوت را عالی‌ترین مقامی می‌داند که انسان در سیر کمالات نفس می‌تواند به آن دست یافته و نظاره‌گر صور عقلی در عالم عقل و صور مثالی در عالم مثال باشد :

«فالانسان اذا بلغ هذا المقام الرباني يطلع على صافى قضاء الالهى و القدر الربانى و يشاهد القلم و اللوح» (همان، ۴۱۶).

در حکمت متعالیه کلام خدا صور عقلیه‌ای دانسته می‌شود که بر نفس نبی نقش می‌بندد و این صور در متخیله او صورت مثالی پیدا نموده و در حس او به صورت الفاظ و کلمات مسموع در می‌آید بنابراین الفاظ و کلمات کلام خدا در روش حکمت متعالیه مخلوق قوه خیال و حس پیامبر است که در آنها صورت عقلانی تنزل نموده و بالاخره در قوه حس نبی شکل صورت و لفظی خود را پیدا می‌کند.^۲ (صدر، ج ۷، ۱۳۶۶، ۱۷)

کلام خدا در نصوص دینی

در روش کلامی حدیثی براساس مبانی فلسفی خاص، کلام خدا تفسیر نشده است بلکه محور مباحث در تبیین کلام خدا که همان وحی است آیات و روایات می‌باشد و یا توجه به روش کلامی و آیات و روایات موجود در این زمینه نظرات ارائه داده می‌شود. در این روش تبیین مباحث اینگونه است که ابتدا در هر موضوعی آیات و روایات آن موضوع گرد آوری شده سپس در ذیل برخی از آنها توضیحات و عباراتی ارائه گشته و ارتباط با هر موضوعی روشن می‌گردد.

از مجموع آیات و احادیث مباحث کلامی که در بحث کلام خدا مطرح می‌شود، می‌توان سه رکن اساسی را در ماهیت کلام خدا از یکدیگر تفکیک کرد که پرداختن به آنها می‌تواند بیانگر روش کلامی حدیثی در باب کلام خدا باشد. این سه رکن عبارتند از: فرستنده کلام خدا، واسطه کلام خدا و گیرنده کلام خدا.

خداوند در همه این ارکان نقش محوری دارد. فرستنده کلام خدا خود خداوند است و هموست که یا بطور مستقیم و یا بواسطه صوت و یا فرشته، کلام خدا را به

انبیاء می‌رساند و همچنین گیرندگان کلام خدا به انتخاب و انتصاب الهی صورت می‌گیرد و مصون از هر نوع خطا و گمراهی اند. (ابن بابویه، ۲۰۱، ۱۴۰۳) و (شیخ طبرسی، ج ۲، ۱۴۰۳، ۳۳۶) بنابراین کلام خدا در روش نصوص دینی کاملاً خدامحورانه است و نقش خداوند در تمام مراحل کلام خدا چه در ناحیه مصدریت کلام خدا چه در ناحیه واسطه‌های کلام خدا و چه در ناحیه گیرندگان کلام خدا کاملاً مشهود است. (مجلسی، ج ۱۸، ۱۴۰۴، ۲۶۴-۲۴۵)

مصادیق اشتراکات لفظی در روش‌های حکمت متعالیه و نصوص دینی

در مقام مقایسه بین دو دیدگاه تفاوت ماهوی بین قسمت‌های مختلف تبیین کلام خدا در دو دیدگاه به چشم می‌خورد و این به خاطر آن است که با دو روش کاملاً متفاوت تبیین کلام خدا صورت گرفته است. در نگاه حکمت متعالیه کلام خدا اوج ادراکات بشری است که انسان‌ها می‌توانند به آن دست یابند و برای رسیدن به چنین ادراکاتی او طی مراحل را برای نفس ترسیم می‌کند اما چون می‌خواهد تبیین خود موافق با اصطلاحات شرعی نشان دهد از این رو آنها را بر مراحل از تبیین خود تطبیق می‌دهد (صدر، ج ۶، ۷، ۱۳۶۶، ۲۷۸-۲۷۶ و ۱۱۷)^۳ اما در روش نصوص دینی مصطلحات شرعی که در رابطه با کلام خدا آمده است به معنای حقیقی خود بکار رفته است و هر آنچه از ظواهر آیات و روایات به دست می‌آید در تبیین کلام خدا ارائه داده است. (عیاشی، ج ۲، ۱۳۸۰، ۲۰۱) و (مجلسی، ج ۱۸، ۱۴۰۴، ۲۵۷-۲۵۶)

بنابراین با دو تبیین از وحی روبرو هستیم و بخاطر آنکه در یکی حقیقت الفاظ مورد توجه بوده است و در دیگری تطبیق و تاویل در آنها صورت گرفته است، اگر هم الفاظ مشترکی در هر دو دیدگاه بکار رفته اما تنها در حد اشتراک لفظی می‌باشد.

ارائه برخی مصادیق اشتراکات لفظی در دو دیدگاه ادعای فوق را به خوبی آشکار

می‌سازد:

فرشته کلام خدا در دو دیدگاه

در اعتقاد صدرا علوم شهودی و اشراقی که انبیاء در قالب کلام خدا دریافت می‌نمایند از طریق مشاهده عقل فعال است که واهب همه صور فعلی موجودات و خالق همه علوم تفصیلی است. بر همین اساس است که وی در مواضعی عقل فعال را همان جبرئیل می‌داند که حقایق را به قلب نبی الهام می‌نماید:

« ... هو مشاهدة الملك الملهم للحقائق من قبل الله وهو العقل الفعال الملهم للعلوم

فی العقل المنفعل» (ملا صدرا، ۱۳۴۶، ۳۴۹)

اما در دیدگاه روش کلامی حدیثی فرشته کلام خدا حقیقتاً وجود خارجی داشته و بر طبق روایات به پیامبر کلام خدا را ارائه می‌داده و رسول خدا او را می‌شناخت.

(مجلسی، ج ۱۸، ۲۵۶، ج ۵۶، ۱۷۱) و (صدوق، ۱۳۸۲، ۲۴۲)

در مقایسه فرشته کلام خدا بین حکمت متعالیه و روش نصوص دینی جز اشتراک لفظی، شباهتی را نمی‌توان پیدا نمود. زیرا عقل فعال که به عبارتی مصدریت کلام خدا را در دیدگاه صدرا نیز برعهده دارد بخاطر نقش القائی‌اش و بدین جهت که اصطلاح شرعی را به نوعی در تبیین خود وارد کند، آن را فرشته کلام خدا نیز می‌نامد^۴.

(صدرا، ۱۳۵۴، ۲۹۳-۲۹۲ و ۲۸۴) در حالیکه در روش نصوص دینی، موجودی عینی و خارجی به نام جبرئیل نقش رسانیدن کلام خدا به پیامبر را ایفا می‌کند و در برخی

موارد به صورت برخی انسان‌ها تمثیل پیدا می‌نماید. (مجلسی، ج ۵۶، ۱۴۰۴، ۱۷۱)

الفاظ کلام خدا در دو دیدگاه

با توجه به توصیفاتی که در روش نصوص دینی از کلام خدا ارائه می‌شود، علاوه بر معانی کلام خدا، الفاظ کلام خدا نیز از جانب خداست و به عبارتی لفظ و معنا هر دو کلام خدا را تشکیل می‌دهند و اینگونه نیست که معنا از جانب خداوند القاء شده و الفاظ را نبی با توجه به آن معانی بر زبان جاری کند.

اما در دیدگاه حکمت متعالیه صفت تکلم الهی از قبیل اصوات و حروف و یا معانی آنها نیست و این صفت به قدرت خداوند باز می‌گردد و در هر عالمی صورت مخصوص به خود را می‌گیرد. به عبارت دیگر از نظر حکمت متعالیه کلام تصویر مراد و باطن متکلم در باطن مخاطب است تا مثل آنچه که در ضمیر متکلم است در ضمیر و درون مخاطب به وجود آید. (صدر، ج ۱، ۱۳۶۶، ۲۹۶-۲۹۵)

همانگونه که اشاره می‌شود الفاظ کلام خدا در روش نصوص دینی پذیرفته شده و کلام خدا در قالب کلمات ملفوظ تبیین شده است اما در دیدگاه حکمت متعالیه لفظ در معانی کلام خدا اخذ نشده و حقیقت کلام خدا را تشکیل نداده است. صوری که در نفس نبی در عالم عقول به عنوان کلام خدا نقش بسته پس از سرایت به قوه خیال و حس او به صورت الفاظ محسوس درمی‌آید. (همان، ج ۱، ۱۳۶۶، ۲۹۶-۲۹۵)

بنابراین در روش نصوص دینی الفاظ وحی حقیقت وحی را تشکیل می‌دهد. (مجلسی، ج ۱۸، ۲۴۶) و (صفار، ۱۳۷۰، ۳۷۰) و در دیدگاه صدرالفاظ وحی شکل تمثیل یافته وحی در عالم محسوس است.

نبی در دو دیدگاه

در دیدگاه حکمت متعالیه هرگاه نفس انسان در عقل نظری به صفا و جلائی برسد که چون اراده نماید، بتواند با عقل فعال ارتباط برقرار نماید، به مرتبه عقل مستفاد رسیده که عالی‌ترین کمال قوه نظری است. چنین شخصی در نگاه حکمت متعالیه نفس قدسی یافته و می‌تواند صور معقول یا کلام خدا را در نگاه او دریافت کند و به واسطه این افاضه نبی می‌گردد.^۴ (صدر، ۱۳۴۶، ۳۴۱)

اما در روش نصوص دینی نبی به انتصاب الهی در عوالم قبل از این دنیا تعیین شده است و در این دنیا این منتخبان در حالی که از مقام عظمت و علم الهی برخوردار بوده و مجهز به اعجاز الهی می‌باشند، کلام الهی را دریافت و به مردم ابلاغ می‌نمایند.^۵ (مجلسی، ج ۱۸، ۱۴۰۴، ۲۷۸) و (شیخ طبرسی، ج ۲، ۱۴۰۳، ۳۳۶)

مقایسه دو دیدگاه در ماهیت کلام خدا

کلام خدا در حکمت متعالیه اوج معرفت بشری است که انسان می‌تواند به آن دسترسی پیدا کند. اما در روش نصوص دینی کلام خدا حقیقتی است که خداوند با واسطه فرشته کلام خدا یا بدون واسطه به پیامبرش می‌دهد.^۶ (صدر، ۱۳۴۶، ۴۱۵-۴۱۴) و نقش پیامبر به عنوان والاترین انسان‌ها اخذ کلام خدا و ابلاغ آن به دیگران است. (مجلسی، ج ۱۸، ۱۴۰۴، ۲۶۵-۲۵۰)

در دیدگاه حکمت متعالیه پرسش اصلی در ارتباط با کلام خدا این است که انسان (= نبی) چگونه به مرتبه کلام خداوند ارتقاء پیدا کرده آن را شهود می‌کند. (صدر، ۱۳۴۶، ۴۱۵-۴۱۴) در حالی که در روش نصوص دینی پرسش از کلام خدا این است که خداوند چگونه کلام خود را به پیامبر می‌رساند؟ این تفاوت در نوع سوال از

آنجا ناشی می‌شود که در حکمت متعالیه انسان محورانه به امر کلام خدا نگاه می‌شود و در روش نصوص دینی خدا محورانه به کلام خدا توجه می‌گردد. در این دیدگاه کلام خدا خارج از حیطه معارف بشری است. (مجلسی، ج. ۱۸، ۱۴۰۴، ۲۶۵-۲۵۰) اما در دیدگاه حکمت متعالیه کلام خدا مرتبه‌ای عالی از معرفت بشری است. (صدر، ۱۳۴۶، ۴۱۵-۴۱۴)

همچنین در تفاوت بین ماهیت کلام خدا در روش نصوص دینی و حکمت متعالیه می‌توان گفت که در این دیدگاه رسیدن به صور علمی چه از طریق اکتساب یا الهام یا وحی، حقیقت کلام خدا را تشکیل می‌دهند در واقع در بررسی کمال انسانی، انسان به جایی می‌رسد که به صور علمی دسترسی پیدا می‌کند حکمت متعالیه چنین مقامی را با اصطلاح دینی کلام خدا تطبیق می‌دهد. (همان)

اما در روش نصوص دینی ماهیت وحی همان کلام الهی است که این کلام به صورت‌های مختلف بر پیامبر نازل می‌شود به عبارت دیگر کلام خدا در حکمت متعالیه صعود انسان به مقام عالم اسماء و صفات برای دیدن صور علمیه است در حالی که در روش نصوص دینی نزول کلام الهی به طور مستقیم و یا بواسطه فرشته بر پیامبری که در روی زمین است، حقیقت کلام الهی را تشکیل می‌دهد.^۷ (مجلسی، ج. ۱۸، ۲۶۵ - ۲۵۰)

مقایسه مصدریت کلام خدا

در روش نصوص دینی در موضوع مصدریت کلام خدا به تبعیت از علوم وحیانی، خداوند به عنوان منبع و مصدر کلام خدا معرفی می‌گردد و در تاکید اینکه خداوند تنها مصدریت کلام خدا را به عهده دارد، به این نکته اشاره دارد که خداوند پیامبرش را از تعجیل وحی قبل از نزول کامل نهی می‌نماید. تعیین زمان ارسال کلام

خدا نیز که فقط به مشیت الهی صورت می‌گرفته از دیگر دلایل مصدريت الهی در کلام خدا می‌باشد. (همان)

اما در حکمت متعالیه، با توجه به تحلیلی که از کلام خدا ارائه می‌شود، می‌گوید؛ انسان بر حسب کمالی که در یکی از قوای سه‌گانه پیدا می‌کند در همان عالم قرار می‌گیرد. در کمال قوه عاقله، انسان متصل به عالم عقول شده و به دریافت صور عقلی که همان تلقی کلام خدا در این دیدگاه است نایل می‌شود و در کمال قوه متخیله نفس به مشاهده اشباح مثالی در عالم مثال منفصل می‌پردازد. که این صور و اشباح مثالی نبی را از جزئیات و اخبار گذشته و آینده مطلع می‌نماید.^۷ (صدر، ۱۳۴۶، ۳۴۱)

بنابراین در این دیدگاه کلام خدا منشائی در عالم عقول داشته و منشائی در عالم مثال و نبی کسی است که دریافت‌کننده صور عقول و صور مثالی از عالم مثال است. در تعبیر دیگری در حکمت متعالیه به عالم قضا و لوح محو و اثبات، نام برده می‌شود که نبی از طریق عاقله‌اش از قضای الهی مطلع شده و از طریق متخیله‌اش صور لوح محو و اثبات که عالم قدر الهی است در آن نقش می‌بندد؛ و با توجه به این اصطلاح منشاء کلام خدا در این دیدگاه عالم قضا و قدر الهی است. (همان)

در مقام مقایسه این دو روش در توصیف مصدريت کلام خدا به نکات ذیل می‌توان اشاره کرد:

۱. در نگاه نصوص دینی خداوند مصدر و منشاء کلام خدا است. در هر زمان و به هر شکل که بخواهد کلام خدا را در اختیار فرستاده‌اش می‌گذارد. اما در نگاه حکمت متعالیه کلام خدا در قالب صور معقول و مثالی در عالم خاص خود تحقق دارد و نبی به خاطر کمالات نفسانی‌اش می‌تواند به آنها دسترسی پیدا کند.

۲. کلام خدا در نگاه نصوص دینی براساس مشیت الهی تحقق پیدا می‌نماید، حتی اگر روزها نبی منتظر آن باشد. اما در دیدگاه حکمت متعالیه وقتی موانع مادی لوح صاف و صیقلی نبی کنار رود نبی خود را در مواجهه با کلام الهی می‌بیند.

مقایسه در گیرنده کلام خدا

در روش نصوص دینی نبی یا گیرنده کلام الهی منتصب از سوی خداست که این انتصاب نیز به عوالم قبل از دنیا برمی‌گردد، ویژگی دیگر گیرنده کلام خدا این است که مؤید به روح القدس است که علاوه بر اینکه موجب علم نبی از عرش تا فرش می‌شد، او را از خطا و نسیان حفظ می‌نمود. در روش نصوص دینی بر طبق آیات و احادیث موجود، اشکال مختلف کلام خدا در این دیدگاه بیان می‌گردد که با توجه به آنها نبی به صورت مستقیم و از وراء حجاب و توسط فرشته‌ای واسطه بشود، کلام الهی را دریافت می‌نماید و در هر یک از این اقسام به پیامبر حالات خاصی دست می‌دهد و حتی خبر از تمثیل فرشته کلام الهی بر روی زمین دارد. (صدوق، ۱۳۸۲، ۲۴۲) و (مجلسی، ج ۱۸، ۱۴۰۴، ۲۶۱)

اما در نگاه حکمت متعالیه انسان پس از طی مراحل کمال و رسیدن به عقل مستفاد توانایی دریافت صور معقول و یا به عبارتی در اتحادی که در عقل فعال پیدا می‌کند، صور معقولات را دریافت می‌نماید و بدین ترتیب حامل کلام خدا می‌شود. مجوز رسیدن به چنین مقامی در دیدگاه حکمت متعالیه طی مراحل کمال در قوای نفس است.^۸ (صدر، ج ۸، ۱۹۸۱، ۲۱۷-۲۰۵)

بنابراین در یک طرف روش نصوص دینی انتصاب پیامبر را از سوی خدا مطرح می‌کند و از سوی دیگر حکمت متعالیه به فعلیت رسیدن قوای نفس را شرط درک کلام خدا می‌داند.

مقایسه در واسطه کلام خدا

در روش نصوص دینی فرشتگانی به عنوان واسطه کلام خدا معرفی می‌گردد ملکی که مقامش بالاتر از اسرافیل است کلام خدا بر قلب او می‌افتاد. اسرافیل کلام خدا را از او دریافت می‌کرد و به جبرئیل می‌داد و جبرئیل نیز به پیامبر اکرم می‌رسانید. (صدوق، ۱۳۸۲، ۲۴۲) و (مجلسی، ج ۱۸، ۱۴۰۴، ۲۶۷ - ۲۵۶)

اما در تبیین حکمت متعالیه از فرشته کلام خدا به عقل فعال تعبیر می‌شود در واقع عقل فعال در این دیدگاه کمک می‌کند که نفس به مرحله عقل مستفاد رسیده و با اتحادی که با آن عقل می‌نماید خود نیز ابداع صور نماید. در واقع چون تبیین متفاوت از کلام خدا در نگاه حکمت متعالیه مواجه هستیم. فرشته به معنای حقیقی خود جایی در این تبیین ندارد و او ناچار است عقل فعال را به خاطر نقش القا صوری که دارد بر فرشته تطبیق دهد.^۹ (صدر، ۱۳۵۴، ۲۹۳-۲۹۲ و ۲۸۴)

بنابراین چون دو تبیین متفاوت از کلام خدا ارائه شده، واسطه در کلام خدا نیز متفاوت است. در روش نصوص دینی با توجه به آیات و روایات، فرشته به معنای حقیقی و موجود در خارج و واسطه کلام خدا است که پس از دریافت کلام خدا آن را به نبی انتقال می‌دهد. (مجلسی، ج ۵۶، ۱۴۰۴، ۱۷۱) اما در نگاه حکمت متعالیه به خاطر تفاوت ماهوی کلام خدا در دیدگاه او با روش کلامی حدیثی القاء صور از طریق عقل

فعال صورت می‌گیرد. و آنرا منشاء کلام خدا نیز می‌داند. اما بخاطر نقش القائی عقل فعال از آن به فرشته وحی نیز تعبیر می‌کند.^۹ (صدر، ۱۳۵۴، ۲۹۳-۲۹۲ و ۲۸۴)

مقایسه در مبانی دو دیدگاه

در مقایسه مبانی چون مبانی غالباً هستی‌شناختی و انسان‌شناختی است به مقایسه مبانی هستی‌شناختی و مبانی انسان‌شناختی دو دیدگاه پرداخته می‌شود.

مقایسه در مبانی هستی‌شناختی

با توجه به این که مبدئیت نبوت در روش نصوص دینی به قبل از این عالم برمی‌گردد، یکی از مبانی این روش را می‌توان عوالم ارواح و عالم ذر دانست که در آن عوالم پیامبران از سوی خداوند برگزیده شده‌اند.^{۱۰} (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ۴۵-۴۴) و (مجلسی، ۱۳۸۰، ۳۷۹-۳۷۸)

اما در هستی‌شناسی حکمت متعالیه می‌توان سه عالم عقل و مثال و طبیعت را برشمرد که حقایق عالم در هر عالمی صورت‌های مناسب با آن عالم دارند. عالم عقول مجرد و عالم مثال مجرد تام نداشته و عالم طبیعت مادی است.^{۱۱} (صدر، ۱۳۵۴، ۲۹۳-۲۹۲ و ۲۸۴)

با توجه به چنین اختلافی در مبانی هستی‌شناسی درحالی که در دیدگاه حکمت متعالیه همه حقایق از جمله وحی دارای سه مرتبه عقلانی و مثالی و مادی است. اما در روش نصوص دینی چنین تمایزی دیده نمی‌شود.

مقایسه مبانی انسان شناسی دو دیدگاه

مبانی انسان شناختی حکمت متعالیه متناسب و در تطابق مبانی هستی شناختی آنست. یعنی همانگونه که برای هستی سه سطح قائل است انسان نیز از سه سطح عقلانی، خیالی و حسی برخوردار می‌گردد که هر کدام از آنها می‌توانند به شناخت عالم مطابق خود برسند. یعنی از طریق عقل به درک عالم عقول نایل شده و از طریق خیال عالم مثال را بشناسد و از طریق حس از طبیعت شناخت حاصل نماید^{۱۲}. (همان) کلام خدا در این نگاه ارتباط خیال و عقل انسان با عالم مثال و عقل است که در نتیجه کمال یافتن این دو قوه حاصل می‌شود. اما روش نصوص دینی با توجه به تعریفی که از کلام خدا ارائه می‌دهد کلام خدا تنها در ارتباط خداوند با انسان‌های منتخب خود تحقق می‌یابد. در این رابطه مبانی انسان شناختی این روش بیان می‌دارند که خداوند رسولان خود را به روح القدس تایید نموده. روحی که باعث می‌شود نبی از علوم هستی آگاهی یافته و از طرفی از هرگونه خطا و نسیان در امان باشد و به عبارتی عصمت داشته باشد. مهمترین روایتی که می‌توان در مبانی انسان شناسی کلامی حدیثی عرضه کرد روایتی است که تعداد ارواح را که به انسان‌ها تعلق می‌گیرد، پنج روح دانسته است. روح البدن، روح الشهوت، روح قوت مشترک بین همه انسانها و روح ایمان مختص مومنین و روح القدس به انبیاء و امامان معصوم علیهم السلام تعلق داشته و آنها از هر پنج روح برخوردارند^{۱۳}. (مجلسی، ج ۲۵، ۱۴۰۴، ۱۲۷)

مقایسه لوازم دو دیدگاه

مقایسه لازمه خدا محوری و انسان محورانه

مهمترین لازمه‌ای که در هر دو دیدگاه ارائه شد تعیین محور کلام خدا بود در روش نصوص دینی تمام توصیفات حکایت از آن داشت که خداوند در تمام مراحل

کلام خدا حضور داشته و هیچ چیز بدون اجازه و مشیت او صورت نمی‌گرفته است. انتظار پیامبر خاتم که اشرف انبیاست در هنگامی که کلام خدا به تاخیر افتاده بود، نمونه بارزی از ظهور خواست الهی در تحقق کلام خداست به عبارت دیگر کلام خدا در روش نصوص دینی حول محوریت خداوند می‌گردد و همانگونه که مصدر کلام خدا حق تعالی می‌باشد، نوع کلام خدا ارسال فرشته کلام خدا، انتخاب دریافت کننده کلام خدا همه به امر او صورت می‌گیرد. اما حکمت متعالیه با تبیین متفاوتی که از کلام خدا دارد انسان و قوای نفسانی او با حرکتی که می‌تواند به سوی کمال داشته باشند به دریافت کلام خدا نایل می‌شوند، کلام خدا همان صور معقوله در عالم عقول است که نفس کمال یافته آنها را در خود منعکس می‌کند. از این رو محوریت انسان در این تبیین به گونه ای است که دریافت کننده کلام خدا و چگونگی رسیدن به آن را انسان تعیین می‌نماید.

بنابراین با تبیین خدا محور و انسان محور از کلام خدا مواجه می‌باشیم روش نصوص دینی که متخذ از علوم و حیانی است در تمام توصیفات خود حضور علم و قدرت و مشیت الهی را در تحقق کلام خدا تصویر نموده و حکمت متعالیه توانایی های بشری و قوای او را که به فعلیت می‌رسند، عامل تحقق کلام خدا می‌داند.

نتیجه گیری

همان گونه که در مقایسه دو دیدگاه دیدیم، روش حکمت متعالیه در باب کلام خدا یک روش فلسفی و انسان محورانه است که در آن اگر انسان مراحل تکامل معرفتی را طی کند و به عقل مستفاد برسد به مقام نبوت رسیده و دریافت هایش از عقل فعال کلام خدا تلقی می‌شود.

اما در نگاه روش نصوص دینی موضوع کلام خدا کاملاً خدا محورانه است و تمام جریانات کلام خدا چه دهنده و چه واسطه و چه گیرنده همه از جانب خداست و به علم و قدرت الهی تحقق می‌یابد به نوعی دیگر می‌توان گفت، کلام خدا در حکمت متعالیه، فلسفی و کلامی زمینی است که زمینی تبیین شده ولی در مقابل در روش نصوص دینی، کلام خدا، دینی و آسمانی است و همه چیز آن از طرف خداست.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- ملاصدرا، الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، ص ۴۱۵ - ۴۱۴، تعلیق سید جلال‌الدین آشتیانی، مشهد، دانشگاه مشهد
- ۲- شیرازی، صدر الدین محمد (ملا صدرا)، تفسیر القرآن الکریم، ج ۷، ص ۱۱۷ و ج ۶، ص ۶-۲۷۸، ۱۳۶۶، قم، انتشارات بیدار، چاپ دوم
- ۳- شیرازی، صدر الدین محمد (ملا صدرا)، تفسیر قرآن، ج ۶، ۱۳۶۶، ۲۷۸-۲۷۶
- ۴- شیرازی، صدرالدین محمد (ملا صدرا)، المبدأ و المعاد، ص ۲۸۴ و ۲۹۳-۲۹۲ و الشواهد الربوبیه، ص ۳۴۱ و ۳۴۹.
- ۵- شیرازی، صدرالدین محمد (ملا صدرا)، الشواهد الربوبیه، ص ۳۴۱.
- ۶- بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۷۸ و مجلسی، محمد باقر، حیاة القلوب، ج ۳، ص ۱۷-۱۸، ۱۳۷۸ هـ ش، تحقیق سیدعلی امامیان، انتشارات سرور.
- ۷- ملاصدرا، شواهد الربوبیه، ۴۱۵-۴۱۴
- ۸- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۸، ۲۶۵ - ۲۵۰.
- ۹- شیرازی، صدرالدین محمد (ملا صدرا)، الشواهد الربوبیه، ص ۳۴۱.

- ۱۰- شیرازی ، صدرالدین محمد (ملا صدرا)، الاسفار الاربعه ، ج ۸ ، ص ۲۱۷ - ۲۰۵ و الشواهد الربوبیه ، ص ۱۹۵
- ۱۱- ملا صدرا، المبدأ والمعاد، ص ۲۹۳ - ۲۹۲ و ۲۸۴.
- ۱۲- همان.
- ۱۳- مجلسی، حق الیقین، ۱۳۸۰، ۳۷۹-۳۷۸
- ۱۴- ملا صدرا، المبدأ والمعاد، ص ۲۹۳ - ۲۹۲ و ۲۸۴.
- ۱۵- همان
- ۱۶- بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۷.

منابع

* قرآن کریم.

- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴)؛ بحار الانوار، تهران ، دارالکتب الاسلامیه.
- _____ (۱۳۸۰)؛ حق الیقین، اصفهان، انتشارات کانون پژوهش.
- _____ (۱۳۶۹ - ۱۳۶۳)؛ مرآة العقول، تهران ، دارالکتب الاسلامیه.
- _____ (۱۳۷۸)؛ حیات القلوب، تحقیق سید علی امامیان، انتشارات سرور.
- شیرازی، صدرالدین محمد (۱۳۶۶)؛ تفسیر القرآن الکریم ، چاپ دوم، قم ، انتشارات بیدار.
- _____ (۱۹۸۱)؛ الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث.

- _____ (۱۳۴۶): الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه با تعلیق سید جلال
الدین آشتیانی، مشهد، دانشگاه مشهد.
- _____ (۱۳۵۴): المبدء و المعاد، تهران، انجمن حکمت و فلسفه ایران.
- _____ (۱۳۶۳): مفاتیح الغیب، چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات و
تحقیقات فرهنگی.
- _____ صدوق، محمد (۱۳۸۲): التوحید، قم، انتشارات مجلسی.
- _____ ابن بابویه (۱۴۰۳): معانی الاخبار، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- _____ شیخ طبرسی، احمد (۱۴۰۳): الاحتجاج، نشر مرتضی.
- _____ عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰): تفسیر عیاشی، قم، نشر چاپخانه علمیه.
- _____ صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴): بصائر الدرجات، قم، ناشر مکتبه آیت الله مرعشی نجفی.
- _____ شیخ مفید (۱۴۱۳): المسائل السرویه، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید.